

رابطه بین سوگیری شناختی متمرکز بر خود و مسئولیت پذیری با سازگاری

اجتماعی زنان

* مرتضی ترخان¹، قاسم احمدی لاشکی²

1. دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه پیام نور، 2. دانشجوی دکترا تخصصی دانشگاه مازندران

(تاریخ وصول: 93/10/13 - تاریخ پذیرش: 93/10/20)

The relationship between self-focus cognitive bias and responsibility with social adjustment of women

*Morteza Tarkhan¹, Ghasem Ahmadi Lashki²

1. Associate Professor of Psychology, Payame Noor University

2. Ph.D. student, Mazandaran University

(Received: Jan. 03, 2015 - Accepted: Jan. 10, 2015)

Abstract

Introduction: This study aimed to investigate the relationship between self-focused cognitive bias and responsibility with social adjustment in women with marital conflicts. **Method:** The research method was correlation and the sample consisted of 95 women with marital conflicts that were selected via simple randomization. The investigation instruments were: Woody, Chambles, and Goldes's self-focus cognitive bias, Kordloo's responsibility and Bell's social adjustment questionnaires. **Results:** Multiple Regression Analyses with stepwise method and Pearson correlation showed that 24.6 percent of common variance (R^2) of the social adjustment of women with marital conflicts was explained by self-focused cognitive bias, and 10.8 percent was explained by responsibility, making a total of 35.40 percent. **Conclusion:** The results of this study were consistent with those of other investigations. They indicated that self-focused cognitive bias and responsibility have basic role in the amount of social adjustment of women with marital conflicts.

Keywords: Self-focus Cognitive Bias, Responsibility, Social Adjustment.

چکیده

مقدمه: این پژوهش به منظور بررسی رابطه بین سوگیری شناختی متمرکز بر خود و مسئولیت‌پذیری با سازگاری اجتماعی زنان مبتلا به تعارضات زناشویی انجام پذیرفت. روش: روش تحقیق از نوع همبستگی، نمونه این پژوهش 95 نفر از زنان مبتلا به تعارضات زناشویی بودند که از طریق نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار تحقیق عبارت بودند از پرسشنامه‌های سوگیری شناختی متمرکز بر خود وودی، چامبلس و گلدس، مسئولیت‌پذیری کوردلو و سازگاری اجتماعی بل. یافته‌ها: تحلیل رگرسیون چند متغیری به روش گام به گام و ضریب همبستگی پیرسون نشان داد، سوگیری شناختی متمرکز بر خود 24/60 درصد و مسئولیت‌پذیری 10/80 درصد و در مجموع 35/40 درصد از واریانس مشترک (R^2) سازگاری اجتماعی زنان مبتلا به تعارضات زناشویی را تبیین نمودند. نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش در همسویی با یافته‌های کاوش‌های دیگر نشان داد، سوگیری شناختی متمرکز بر خود و مسئولیت‌پذیری در میزان سازگاری اجتماعی زنان مبتلا به تعارضات زناشویی نقش تعیین‌کننده‌ای دارند.

واژگان کلیدی: سوگیری شناختی متمرکز بر خود، مسئولیت‌پذیری، سازگاری اجتماعی.

مقدمه

(گیلفورد - اسمیت⁵، 2003)، که می‌تواند بهنجار و نابهنجار باشد. سازگاری اجتماعی نابهنجار و بین شبکه ارتباطی بیمارگونه افراد در روابط بین‌فردی و سازگاری اجتماعی بهنجار ترجمان احساس تسلط‌یافتگی افراد بر محیط و احساس کنار آمدن آنها با تغییرات محیطی می‌باشد (چن⁶، وانگ⁷ و چن، 2006). به همین جهت محققان بر این باورند، سازگاری اجتماعی نه تنها تعیین‌کننده نوع و میزان ارتباطات فردی افراد می‌باشد، بلکه در موقعیت‌های شغلی، اقتصادی و اجتماعی افراد نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای دارد. به همین جهت کسانی که بنا به دلایلی نتوانند امیال و آرزوهای خود را در محاوره‌های اجتماعی کنترل نمایند، ناسازگار اجتماعی می‌گویند (بارون، 2006). کاوش‌های متعددی در رابطه با ارتباط سازگاری اجتماعی با متغیرهای دیگر انجام گرفت و بسیاری از متغیرها به عنوان متغیرهای پیش‌بینی‌کننده سازگاری اجتماعی در نظر گرفته شد که مهمترین آن می‌توان به سوگیری شناختی⁸ و مسئولیت‌پذیری⁹ اشاره نمود. همان طوری که پیاز و محققان شناختی (1950؛ به نقل از کمالی‌زارچ، زارع، علوی لنگرودی، 1391؛ مقدم، 1390) اشاره نمودند، باورهای معرفت‌شناختی و فرایندهای ذهنی از عوامل تعیین‌کننده رفتار افراد در موقعیت مختلف زندگی می‌باشند. قطعاً آسیب در

بی‌شک گسترش مسائل اجتماعی و تحول روزافزون جوامع از حالت ساده به پیچیده و از سنتی به مدرن و پدیدآیی تکنولوژی نوین در عرصه‌های مختلف زندگی، موجبات بسیاری از ناسازگاری‌ها را در ابعاد مختلف زندگی از جمله خانوادگی، اجتماعی و شغلی فراهم ساخته و انسان امروز را بیش از پیش دچار سرگشتگی نموده است (استنگور¹، 2004). به همین دلیل موضوعاتی که در سال‌های اخیر نظر متخصصان علوم رفتاری از جمله روان‌شناسان اجتماعی را به خود جلب نموده است، سازگاری اجتماعی در ابعاد مختلف بخصوص در شبکه ارتباطی خانواده می‌باشد. به طوری که محققان بر این باورند، چنانچه سازگاری اجتماعی بین اعضای خانواده وجود نداشته باشد، فضای بیمارگونه‌ای بر شبکه اجتماعی خانواده حاکم می‌گردد و این مهم به نوبه خود موجبات بسیاری از معضلات فردی و خانوادگی را فراهم می‌سازد (بارون²، 2006). سازگاری اجتماعی ترجمان تعادل بین خواسته‌های فرد و خواسته‌های اجتماعی و اساسی‌ترین نشانه سلامت روان و مهم‌ترین جنبه رشد هر فرد در مناسبات بین فردی می‌باشد (دیوتو³ و هالفورد⁴، 2007)؛ به بیان بهتر، سازگاری اجتماعی به منزله الگوی پاسخدهی افراد در مقابل دگرگونی‌های مختلف محیطی به منظور دستیابی به یک تعادل روان‌شناختی و اجتماعی تعریف می‌شود

5. Gillford-smith
6. Chen
7. Wang
8. Cognitive bias
9. Responsibility

1. Stanger
2. Baron
3. Devito
4. Halford

انعطاف‌ناپذیر به خود گیرد، می‌تواند به عنوان یک نقص شناختی موجبات اختلالات روان-شناختی از جمله ناسازگاری اجتماعی افراد را فراهم سازد. (هینریچز⁸ و هافمن⁹، 2001). از جمله متغیرهای دیگر که نقش اساسی در سازگاری اجتماعی افراد دارد، مسؤلیت‌پذیری افراد در روابط بین‌فردی می‌باشد. منظور از مسؤلیت‌پذیری یعنی قابلیت پذیرش، پاسخگویی و یا به عهده گرفتن کاری که از فردی خواسته می‌شود و او قدرت پذیرفتن یا رد کردن آن را دارد (جوادی، 1390). به سخن دیگر، مسؤلیت‌پذیری یک انتخاب آگاهانه و بدون اجبار در تعیین رفتار خود و چگونگی رفتار با دیگران در مناسبات اجتماعی می‌باشد. تحقیقات متعدد نشان داد، رفتار مسؤولانه در روابط بین‌فردی باعث انعطاف‌پذیری و سازگاری اجتماعی و رفتار غیرمسؤولانه موجبات رفتار خودخواهانه و اغتشاش در مناسبات اجتماعی را فراهم می‌سازد. (مقدم، 1390).

وارسی‌های مختلف نشان دادند، سوگیری شناختی متمرکز بر خود و مسؤلیت‌پذیری نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای در سازگاری اجتماعی افراد در مناسبات اجتماعی دارند؛ مثلاً دری‌بری¹⁰ و ریدل¹¹ (2003)؛ به نقل از عنایت، (1388) و آندرسون، وستون و جانسون (2006)؛ به نقل از چلیپانلو و همکاران، (1388) در تحقیق خود نشان دادند، از آنجاکه سوگیری‌های شناختی منجر به اضطراب اجتماعی افراد در

فرایندهای شناختی مانند سوگیری شناختی می‌تواند اثرات مخربی بر رفتار انسان‌ها در شرایط مختلف بویژه موقعیت‌های استرس‌آفرین داشته باشد. منظور از سوگیری شناختی به نوعی توجه در پردازش اطلاعات گفته می‌شود که به واسطه آن افراد به برخی از محرکهای پیرامون بیشتر توجه می‌کنند و برخی دیگر را نادیده می‌گیرند (علیلو؛ به نقل از ربیع‌زاده، 1381). به عبارت دیگر، سوگیری شناختی نوعی "برترگزینی سازمان یافته" در توجه و پردازش محرک‌های محیطی می‌باشد (اسپر¹ و استوپا²، 2002). محققان سوگیری شناختی را به دو بعد متمرکز بر خود³ و متمرکز بر بیرون⁴ تقسیم‌بندی بندی نمودند. در سوگیری شناختی متمرکز بر خود، تمام توجه فرد متمرکز بر خود و افکار خود می‌شود و محرک‌های محیطی را نادیده می‌گیرد. در سوگیری شناختی متمرکز بر بیرون این حالت برعکس است. به طوری‌که فرد به خود و افکار خود توجه ندارد و تمام توجه و دقت خود را متمرکز بر مسائل بیرونی می‌کند (اسپکتور⁵، پکنولد⁶ و لیمن⁷، 2003). محققان سوگیری شناختی را به عنوان یک فرآیند شناختی هم در جمعیت بالینی و هم در جمعیت غیربالینی مورد واریسی قرار دادند. تحقیقات این محققان نشان داد، زمانیکه سوگیری شناختی متمرکز بر خود، حالت منفی، افراطی، مستمر و

1. Spurr
2. Stopa
3. Self- focus
4. External Focus
5. Spector
6. Pecknold
7. Libmen

8. Heinrichs
9. Hafmann
10. Drybry
11. Riddle

بالایی برخوردار بوده و این مهم به نوبه خود باعث انزوای اجتماعی آنها گردیده است. از جمله متغیر دیگری که رابطه آن با سازگاری اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت، مسئولیت‌پذیری می‌باشد؛ مثلاً بارنت⁶ و سلمان (2006) طی تحقیقی نشان دادند، افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی در افراد نه تنها باعث کارایی و بازده کاری افراد می‌شود، بلکه موجبات تعهد و روابط اجتماعی سازنده آنها فراهم را می‌سازد. در این راستا لازلو⁷ (2006) در تحقیق خود نشان داد افزایش مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان باعث پیشرفت تحصیلی، رقابت سازنده و روابط اجتماعی مؤثر با کارکنان و دیگر دانش‌آموزان مدرسه می‌شود. همچنین برامر⁸، میلینگتون⁹ و رایتون¹⁰ (2007) در تحقیقات خود مشخص کردند، مسئولیت‌پذیری اجتماعی باعث می‌شود افراد در روابط شغلی، سازمانی و اجتماعی خود از انعطاف‌پذیری اجتماعی بالاتری برخوردار باشند. در این راستا چن¹¹ و بووین¹² (2009) در تحقیقات خود بر روی افراد کشورهای مختلف نشان دادند، مسئولیت‌پذیری بالا نه تنها باعث می‌شود افراد انگیزه بیشتری جهت دستیابی به اهداف خود داشته باشند، بلکه موجب افزایش تحمل، مقاومت و سازگاری اجتماعی آنها در روابط بین‌فردی می‌شود. در همگرایی با

روابط بین فردی می‌شوند، کارکردهای اجتماعی افراد را مختل کرده و موجبات انزوای اجتماعی افراد را فراهم می‌سازند. همچنین پاینلس¹ و مینیک² (2005) در تحقیق خود نشان دادند، سوگیری شناختی به محرک‌های درونی (مانند ضربان قلب) و بیرونی (چهره‌های تهدیدکننده افراد) موجب می‌گردد افراد ارزیابی منفی نسبت به خود و محرک‌های اطراف خود داشته باشند. این مهم به نوبه خود باعث کناره‌گیری اجتماعی افراد در موقعیت‌های اجتماعی بخصوص موقعیت‌های تهدیدکننده اجتماعی می‌شود. در همین راستا زو³، هودسون⁴ و رپی⁵ (2007) طی تحقیقی نشان دادند، بین سوگیری شناختی متمرکز بر خود و اضطراب اجتماعی و ناسازگاری اجتماعی رابطه وجود دارد. به طوری که هرچه سوگیری شناختی متمرکز بر خود افزایش یابد، به همان نسبت اضطراب اجتماعی و بالطبع ناسازگاری اجتماعی افراد افزایش می‌یابد. در همگرایی با تحقیقات فوق، خیر و همکاران (1387) اثر واسطه‌گی توجه متمرکز بر خود را روی 830 نفر از دانش‌آموزان دبیرستانی شهر شیراز مورد بررسی قرار دارند. نتایج این تحقیق نشان داد بین سوگیری توجه متمرکز بر خود با افزایش اضطراب اجتماعی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. به گونه‌ای که این نوع دانش‌آموزان در محاوره‌های اجتماعی به علت سوگیری توجه متمرکز خود، از اضطراب

6. Barnett

7. Laszlo, Z

8. Brammer

9. Millington

10. Rayton

11. Chen

12. Bouvain

1. Pineles

2. Mineke

3. Zou

4. Hudson

5. Rapee

به تعارضات زناشویی می‌باشد. روش تحقیق این پژوهش از نظر هدف، نظری و از لحاظ روش گردآوری اطلاعات مورد لزوم، از نوع همبستگی⁴ است. در این پژوهش متغیرهای سوگیری شناختی متمرکز بر خود و مسؤلیت‌پذیری به عنوان متغیر پیش‌بین و متغیر سازگاری اجتماعی به عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شد. جامعه آماری این پژوهش، 132 نفر از زنان مبتلا به تعارضات زناشویی بودند که جهت حل مشکلات خانوادگی و تعارضات زناشویی خود در سال 1392 به مرکز مشاوره و خدمات روان‌شناختی تابان در شهرستان تنکابن رجوع نمودند. روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی ساده از جامعه در دسترس بوده است. نحوه نمونه‌گیری بدین صورت بوده است که به کلیه زنانی که در سال 1392 جهت حل تعارضات زناشویی به مرکز مشاوره تابان آمده بودند (132 نفر در دامنه سنی 22 تا 41 سال)، پرسشنامه‌های این پژوهش داده شد و پس از اینکه در مورد چگونگی تکمیل پرسشنامه توجیه شدند، به‌طور انفرادی آن را تکمیل نمودند. سپس با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه کوکران⁵ و مدل آماری این پژوهش، 95 نفر به‌طور تصادفی ساده جهت تعیین نمونه آماری از بین آنها انتخاب و اطلاعات مورد لزوم، از پرسشنامه‌های این 95 نفر استخراج و از طریق برنامه آماری SPSS مورد پردازش قرار گرفت. ابزارهای به‌کار گرفته شده در این پژوهش عبارتند از: 1. پرسشنامه سوگیری

تحقیقات فوق، کینگ¹ (2008) به نقل از برایدون² و مک دونال³ (2012) در تحقیقی نشان نشان داد زنانی که مسؤلیت‌پذیری اجتماعی کمتری دارند، در برقراری ارتباط با دیگران دشواری‌های زیادی دارند. به طوری‌که در مناسبات اجتماعی یا به صورت پرخاشگرانه رفتار می‌کنند و یا اینکه از ابراز رفتارهای درست اجتماعی ترس دارند.

باتوجه به واری‌های فوق و با توجه به اینکه هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه بین سوگیری شناختی متمرکز بر خود و مسؤلیت‌پذیری با سازگاری اجتماعی زنان مبتلا به تعارضات زناشویی می‌باشد، این تحقیق درصدد آزمودن فرضیه‌های ذیل بوده است.

فرضیه اصلی: بین سوگیری شناختی متمرکز بر خود و مسؤلیت‌پذیری با سازگاری اجتماعی زنان مبتلا به تعارضات زناشویی رابطه وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی: 1. بین سوگیری شناختی متمرکز بر خود و سازگاری اجتماعی زنان مبتلا به تعارضات زناشویی رابطه وجود دارد. 2. بین مسؤلیت‌پذیری و سازگاری اجتماعی زنان مبتلا به تعارضات زناشویی رابطه وجود دارد.

روش

از آنجا که هدف اصلی این پژوهش، بررسی رابطه بین سوگیری شناختی متمرکز بر خود و مسؤلیت‌پذیری با سازگاری اجتماعی زنان مبتلا

4. Correlation
5. Cochran

1. King
2. Brayden
3. Mc Donell

به صورت بلی و خیر پاسخ می‌دهد. این پرسش‌نامه، واجد 5 زیر مقیاس تعهد درونی، تعهد بیرونی، احساس امنیت، عزت نفس و احساس تعلق می‌باشد. نمره کل زیرمقیاس‌ها به عنوان مسئولیت‌پذیری محسوب می‌گردد. پایایی این پرسش‌نامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ 0/76 در جمعیت ایرانی گزارش شده است. 3. پرسشنامه سازگاری اجتماعی: برای اندازه‌گیری سازگاری اجتماعی آزمودنی‌های مورد پژوهش از خرده مقیاس 32 سؤالی سازگاری اجتماعی سازگاری بل (1961) که توسط نقشبندی (1380) برای جامعه ایرانی هنجاریابی گردیده است، استفاده شده است. در این پرسشنامه آزمودنی‌ها به صورت بلی و خیر به سؤالات پاسخ می‌دهند و برای هر سؤال یک نمره منظور شده است. افرادی که در این پرسشنامه نمره بالاتر از 13/76 بدست آورند، از سازگاری اجتماعی خوبی برخوردارند و برعکس. پایایی این پرسشنامه بر اساس ضریب آلفای کرونباخ 0/86 گزارش شده است. اعتبار این پرسشنامه از دو طریق تأییدی و اکتشافی مورد تأیید قرار گرفته است.

یافته‌ها

جهت آزمودن فرضیه اصلی این پژوهش، نخست میانگین، انحراف معیار و ماتریس ضریب همبستگی متغیرهای پیش بین و ملاک مورد بررسی قرار گرفت.

شناختی متمرکز بر خود¹ (وودی، چامبلس و گلدس، 1997). 2. پرسشنامه مسئولیت‌پذیری (کردلو، 1380). 3. پرسشنامه سازگاری اجتماعی² (بل، 1961).

1. پرسشنامه سوگیری شناختی متمرکز

بر خود: این پرسشنامه در سال 1997 توسط وودی، چامبلس و گلدس برای اندازه‌گیری سوگیری شناختی ساخته شده است. این پرسشنامه دارای دو زیرمقیاس پنج گویه‌ای است که عبارتند از مقیاس متمرکز بر خود و متمرکز بر بیرون. آزمودنی‌ها به گویه‌های این پرسشنامه بر پایه تصور تعامل اجتماعی پیشین پاسخ می‌دهند. هر گویه، شامل یک مقیاس پنج درجه‌ای است که نشان می‌دهد تا چه اندازه میزان شناخت آزمودنی‌ها با عبارت هماهنگ است. هر گویه، از یک تا پنج نمره‌گذاری می‌شود. ضریب آلفای کرونباخ برای سوگیری شناختی متمرکز بر خود و متمرکز بر بیرون به ترتیب 0/76 و 0/72 در نمونه ایرانی گزارش شده است. روایی سازه‌ای این مقیاس‌ها با روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس نشان داد که این دو مقیاس جمعاً 55/85 از واریانس سوگیری شناختی را به خود اختصاص داده‌اند (خیر، استوار، لطیفیان، تقوی و سامانی، 1387). 2. پرسشنامه مسئولیت‌پذیری: این پرسشنامه توسط کردلو (1380) به نقل از خطیب حقیقی، (1393) برای افراد بالای 15 سال ساخته شده و دارای 30 سؤال و آزمودنی

1. Self-Focus Cognitive bias Questionnaire

2. Social Adjustment Questionnaire

جدول 1. میانگین، انحراف معیار و ماتریس ضریب همبستگی متغیرهای مورد مطالعه.

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	سوگیری شناختی متمرکز بر خود	مسئولیت پذیری	سازگاری اجتماعی
سوگیری شناختی متمرکز بر خود	18/71	3/14	1		
مسئولیت پذیری	12/52	2/11	0/305**	1	
سازگاری اجتماعی	11/85	3/15	0/496**	0/329**	1

زنشویی وجود دارد ($r=0/329$ و $P<0/01$). به دیگر سخن، با 99 درصد می توان گفت، هرچه سوگیری شناختی متمرکز بر خود بیشتر باشد، سازگاری اجتماعی کمتر و هرچه مسئولیت پذیری بیشتر باشد، سازگاری اجتماعی بالاتر است.

باتوجه به جدول 1، همبستگی منفی و معناداری بین سوگیری شناختی متمرکز بر خود و سازگاری اجتماعی ($r=-0/496$ و $P<0/01$) و همبستگی مثبت و معناداری بین مسئولیت پذیری و سازگاری اجتماعی زنان مبتلا به تعارضات

جدول 2. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش بینی سازگاری اجتماعی از روی متغیرهای پیشین برای فرضیه اول.

گام	متغیرهای پیشین	ضریب همبستگی چند متغیری	ضریب تعیین (R^2)	F آماره	سطح معناداری F آماره	بتا (β)	سطح معناداری (Sig)
1	سوگیری شناختی متمرکز بر خود	0/496	24/60	15/21	<0/0001	-0/37	P<0/001
2	مسئولیت پذیری	0/595	35/40	9/11	<0/005	0/24	P<0/003

پیشین این پژوهش، به میزان 35/40 درصد واریانس سازگاری اجتماعی زنان مبتلا به تعارضات زنشویی را تبیین نمودند. همچنین ضریب منفی بتای متغیر سوگیری شناختی متمرکز بر خود (-0/37) و ضریب مثبت بتای متغیر مسئولیت پذیری (0/24) نشان می دهد، با افزایش سوگیری شناختی متمرکز بر خود، سازگاری اجتماعی زنان مورد مطالعه کاهش و با افزایش مسئولیت پذیری، سازگاری اجتماعی آنها افزایش می یابد.

جدول 2 نشان می دهد، از بین متغیرهای پیشین وارد شده به معادله تحلیل رگرسیون، بیشترین سطح معناداری را به ترتیب سوگیری شناختی متمرکز بر خود و سپس مسئولیت پذیری به خود اختصاص دادند. ضریب تعیین (R^2) متغیرهای پیشین مبین این واقعیت است، سوگیری شناختی متمرکز بر خود 24/60 درصد واریانس سازگاری اجتماعی زنان مبتلا به تعارضات زنشویی را تبیین نمود. با وارد کردن متغیر مسئولیت پذیری به معادله، به میزان 10/80 درصد به قدرت تبیین مدل افزوده گردید ($35/40-14/60=10/80$). در مجموع دو متغیر

جدول 3. آزمون معناداری فرضیه‌های فرعی این پژوهش.

فرضیه‌ها	متغیر	سازگاری اجتماعی	d.f	Tr	سطح معناداری
اول	سوگیری شناختی متمرکز بر خود	0/496	93	14/11	0/0001
دوم	مسئولیت‌پذیری	0/329	93	8/52	0/002

فرضیه اول: باتوجه به ضریب همبستگی (-0/496) و Tr محاسبه شده (14/11) و در سطح $P < 0/01$ با 99 درصد اطمینان بین سوگیری شناختی متمرکز بر خود و سازگاری اجتماعی رابطه معنادار منفی وجود دارد. به عبارت دیگر، هرچه سوگیری شناختی متمرکز بر خود افزایش یابد، سازگاری اجتماعی زنان تحت مطالعه کاهش می‌یابد.

فرضیه دوم: ضریب همبستگی (0/329) و Tr محاسبه شده (8/52) در سطح $P < 0/01$ نشان می‌دهد بین مسئولیت‌پذیری و سازگاری اجتماعی زنان مبتلا به تعارضات زناشویی، همبستگی معنادار مثبت وجود دارد. به بیان بهتر، هرچه مسئولیت‌پذیری زنان مورد مطالعه افزایش یابد، سازگاری اجتماعی آنها افزایش می‌یابد.

نتیجه‌گیری و بحث

این پژوهش با هدف تعیین توان پیش‌بینی متغیرهای سوگیری شناختی متمرکز بر خود و مسئولیت‌پذیری بر سازگاری اجتماعی زنان مبتلا به تعارضات زناشویی انجام شده است. جهت آزمون فرضیه اصلی این پژوهش، نخست ماتریس همبستگی دو متغیره و سپس تحلیل رگرسیون چندمتغیری فرضیه اصلی این پژوهش، محاسبه گردید. ضریب همبستگی دو متغیره ترجمان رابطه معنادار منفی بین سوگیری شناختی متمرکز بر خود با سازگاری اجتماعی (-0/496) و رابطه

معنادار مثبت بین مسئولیت‌پذیری با سازگاری اجتماعی (0/329) می‌باشد. تحلیل رگرسیون چندمتغیری مبین این واقعیت است که در بین متغیرهای پیش‌بین مورد مطالعه، نخست متغیر سوگیری شناختی متمرکز بر خود، 24/60 درصد و سپس متغیر مسئولیت‌پذیری 10/80 درصد و در مجموع 35/40 درصد از واریانس مشترک سازگاری اجتماعی را به خود اختصاص دادند. همچنین، محاسبه شده (14/11) فرضیه فرعی اول این پژوهش مبنی بر این‌که بین سوگیری شناختی متمرکز بر خود و سازگاری اجتماعی زنان مورد مطالعه رابطه وجود دارد، در این پژوهش مورد تأیید قرار گرفت. این یافته با نتایج کاوش‌هایی مانند دری‌بری و ریدل (2002)؛ به نقل از عنایت، (1388)، پاینلس و مینیک (2005)، آندرسون، وستون و جانسون (2006)؛ به نقل از چلیپانلو و همکاران، (1388) زو، هودسون و ری (2007) خیر و همکاران (1387) همگرایی دارد.

باتوجه به تحقیقات فوق، در تبیین این فرضیه می‌توان گفت افرادی که سوگیری شناختی متمرکز بر خود دارند، یا تصور درستی از توانش‌های ذهنی و شخصی خود ندارند و یا توانایی‌های خود را به صورت منفی ارزیابی می‌کنند. این نوع افراد، نقص‌های رفتاری جزئی خود را برجسته کرده و یک حالت بیش‌حساسیتی نسبت به توانایی‌های خود دارند. با چنین

ندارند و این مسأله سازگاری اجتماعی آنها را در مناسبات بین فردی دچار اغتشاش می‌سازد. به طور کلی، محققان بر این باورند که سوگیری شناختی خود تمرکزی به علت حالت خودمداری، بیش حساسیتی، دیگر انتقادی و ستیز درونی که در ارتباطات اجتماعی برای افراد بوجود می‌آورد، توانایی افراد را جهت حل مسأله موثر مشکلات اجتماعی مختل نموده و موجبات ناسازگاری اجتماعی آنها را فراهم می‌سازد.

در راستای فرضیه فرعی دوم این پژوهش، همانطور که Tr محاسبه شده (8/52) نشان می‌دهد، این فرضیه پژوهشی مبنی بر اینکه بین مسئولیت‌پذیری و سازگاری اجتماعی زنان مورد مطالعه رابطه وجود دارد، مورد تأیید قرار گرفت. این یافته با نتایج واریس‌هایی مانند لازلو (2006)، برامر، میلینگتون و رایتون (2007)، خورشیدی (1389)، مومنی (1388) بارنت و سلمان (2006)، چن و بووین (2009)، کینگ (2008)؛ به نقل از برایدون، مک دونالد، (2012) همخوانی دارد. در تبیین این فرضیه براساس کاوش‌های انجام‌شده می‌توان گفت مسئولیت‌پذیری به مثابه یک مؤلفه شخصیتی نقش اساسی در تعیین رفتار افراد در روابط بین فردی و سازگاری اجتماعی آنها دارد. چرا اینکه افراد مسئولیت‌پذیر در مناسبات اجتماعی و روابط بین‌فردی به درخواست‌ها، نیازها و انتظارات دیگران توجه خاص دارند. ضمن توجه به نیازهای خود، به ارزش‌ها و آرزوهای دیگران اهمیت قائلند. از رفتار نامناسب خود در برخورد با دیگران احساس

سوگیری شناختی، این افراد وقتی در مناسبات اجتماعی قرار می‌گیرند، توان برقراری ارتباط با دیگران، گوش‌دادن فعال و روابط همدلانه با دیگران را نخواهند داشت. این مهم باعث کناره‌گیری آنها از موقعیت اجتماعی و بالطبع به نقص در عملکرد اجتماعی آنها منجر می‌شود. در این راستا شارما¹، آلبری² و کوک³ (2001) بر این باورند، افراد مبتلا به سوگیری شناختی متمرکز بر خود، به علت ارزیابی منفی که از خود دارند، اغلب احساس می‌کنند مهارت‌ها، توانایی‌ها و خصیصه‌های شخصیتی خاصی را که مستلزم روابط بین فردی مؤثر است را ندارند. نتیجتاً، وقتی در موقعیت‌های اجتماعی به‌خصوص موقعیت اجتماعی تهدیدکننده قرار می‌گیرند، علی‌رغم توان ذهنی و مهارت‌های لازم، از برآورده‌کردن خواسته‌های اجتماعی خود و دیگران ناتوان هستند. این مهم به نوبه خود منجر به کناره‌گیری آنها از جمع و چنانچه این انزوا امکان نداشته باشد، دچار درگیری ذهنی، ستیز درونی و ناسازگاری اجتماعی در آن موقعیت می‌شوند. همچنین در همسویی با تحقیقات فوق پاینلس و مینیک (2005) معتقدند، سوگیری شناختی خود تمرکزی، نوعی آسیب‌پذیری شناختی در پردازش اطلاعات است و افراد مبتلا به این سوگیری، معمولاً دل‌مشغولی و اشتغال ذهنی فراوانی به توانایی‌های خود دارند. از آنجاکه چنین دل‌مشغولی غالباً منفی است، ارزیابی و دیدگاه واقع‌بینانه‌ای از استانداردهای اجتماعی

1. Shurma
2. Albery
3. Cook

مسأله‌گشایی نقش مهمی در تنظیم روابط اجتماعی افراد دارد. این محققان بر این باورند، افراد مسئولیت‌پذیر به علت استقلال فکری، سخت‌کوشی و روحیه مشارکت‌جویی که در ارتباطات اجتماعی خود دارند، جایگاه ویژه و شایسته‌ای در نظام خانوادگی خود برخوردارند و به سبب بازخوردهای مثبتی که از اطرافیان می‌گیرند، عزت نفس و خودباوری آنها افزایش یافته و این مهم به نوبه خود باعث افزایش مسئولیت‌پذیری آنها می‌شود. این دور تسلسل بین اعتماد به نفس و مسئولیت‌پذیری در چرخه زندگی ادامه می‌یابد و موجب می‌گردد این افراد بیش از پیش در روابط اجتماعی خود مستحکم‌تر و سازگارتر شوند. به‌طور کلی، این پژوهش در همگرایی با تحقیقات مشابه، ترجمان این واقعیت است که سوگیری شناختی متمرکز بر خود و مسئولیت‌پذیری به منزله دو عامل اساسی، نقش حساس و تعیین‌کننده‌ای در تنظیم روابط اجتماعی و میزان سازگاری اجتماعی افراد در مناسبات بین‌فردی دارند. بنابراین از آنجاکه استحکام نظام خانوادگی و اجتماعی، مستلزم ارتباط مؤثر و سازگاری اجتماعی بهینه در روابط اجتماعی می‌باشد، می‌توان با افزایش میزان مسئولیت‌پذیری و اصلاح سوگیری شناختی متمرکز بر خود به عنوان یک آسیب‌پذیری شناختی در پردازش اطلاعات، به گروه‌های مختلف از جمله به زوجین، موجبات سازگاری اجتماعی بهتر و مناسبتر آنها را فراهم ساخت.

از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به نمونه آماری اشاره نمود. از آنجاکه نمونه

گناه کرده و در راستای دلجویی افراد و اصلاح رفتارهای خود تلاش می‌کنند. این نوع افراد از استقلال فکری، ظرفیت، عزت نفس، تعهد، مقاومت و تاب‌آوری بالایی در تعاملات خانوادگی و اجتماعی برخوردارند. روحیه تعاون، همکاری، مشارکت‌جویی و تشریک مساعی در مناسبات بین فردی در آنها بیشتر می‌باشد. جهت تنظیم روابط اجتماعی معمولاً اعتدال را رعایت کرده و از اجتناب و یا ذوب‌شدگی در محاوره‌های اجتماعی پرهیز می‌کنند. برعکس افرادی که از مسئولیت‌پذیری پایینی برخوردارند، در ارتباطات اجتماعی خود انسانهایی سرد و بی‌تفاوت هستند. در جهت رسیدن به اهداف خانواده یا جمعی که در آن زندگی می‌کنند، استقامت، ایستادگی و سماجت کمتری از خود نشان می‌دهند. بیشتر شخصیت وابسته دارند و منتظرند که کارهای گروه و یا حتی وظایف مربوط به خودشان، توسط دیگران انجام گیرد. برای مشکلات خانوادگی کمتر چاره‌جویی می‌کنند. این نوع افراد به علت اینکه روحیه همکاری و مشارکت‌جویی ندارند، بازخوردهای منفی از گروه و یا خانواده دریافت می‌دارند. این مهم به نوبه خود باعث کناره‌گیری و به ناسازگاری اجتماعی آنها منجر می‌شود. فرنیریس¹، دانیش² و سواوت³ (2010)، میلر و بوون (2003) در تحقیقات خود مبرهن نمودند، مسئولیت‌پذیری به‌عنوان یک مهارت زندگی و به مثابه یک فن

1. Forneris
2. Danish
3. Seott

- خیر، م؛ استوار، ص؛ لطیفیان، م؛ تقوی، س.م.ر. و سامانی، س. (1387). اثر واسطه‌گری توجه متمرکز بر خود و خودکارآمدی اجتماعی بر ارتباط میان اضطراب اجتماعی و سوگیری‌های داوری. *مجله روانپزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، سال چهاردهم، شماره اول، 24-32.

- ربیع‌زاده، ز. (1381). *سوگیری‌های شناختی در ناباروری*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.

- عنایت، ج. (1388). *مقایسه سوگیری توجه نسبت به محرک‌های وسوسه‌انگیز مربوط به مواد در گروه کنترل بهنجار، ترک‌کرده و وابسته به مواد در مراقبین خود مصرف به کلینیک‌های درمانی وابسته به سازمان بهزیستی آذربایجان شرقی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن.

- کمالی زارچ، م؛ زارع، ح. و علوی لنگرودی، س.ا. (1391). *اثربخشی آموزش تفکر انتقادی بر باورهای معرفت‌شناختی دانشجویان*. *دوفصلنامه شناخت اجتماعی*. سال اول، شماره 2.

- مقدم، م. (1390). *بررسی اثر هوش هیجانی در افزایش مسئولیت‌پذیری مددکاران بنیاد شهید و امور ایثارگران استان گیلان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی دانشگاه گیلان.

- نقشبندی، س. (1380). *هنجاریابی پرسشنامه سازگاری ه. م. بل*. پایان‌نامه دکترای تخصصی روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران.

آماری این پژوهش را زنان مبتلا به تعارضات زناشویی تشکیل دادند، در تعمیم آن به مردان و گروه‌های دیگر باید جانب احتیاط را رعایت نمود. در خاتمه، از همکاری زنان مبتلا به تعارضات زناشویی به سبب همکاری آنها در تکمیل پرسشنامه‌های این پژوهش، قدردانی می‌شود.

منابع

- جوادی، ز. (1390). نقش مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری در عملکرد تحصیلی. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، سال 3، شماره 4 (12).

- چلیپانلو، غ.ر؛ گروسی فرشی، م.ت. و قناعت پیشه، ز. (1388). *مقایسه سوگیری توجه نسبت به چهره‌های هیجانی در بیماران مبتلا به اضطراب اجتماعی، اضطراب منتشر و افراد عادی*. *مجله علوم رفتاری*، دوره 4، شماره 3.

- خطیب‌حقیقی، م. (1393). *اثربخشی مهارت‌های مقابله‌ای گروهی بر مسئولیت‌پذیری و تمایز یافتگی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن.

- خورشیدی، ا؛ ایزدی، م. و حیل، پ. (1389). *تأثیر الگوی خانواده بر پرورش مسئولیت‌پذیری و رشد اجتماعی و عاطفی نوجوانان*. *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، 12: 133-147.

- Barnett, M.L. and Salomon, R.M. (2006). The curvilinear relationship between social responsibility and financial performance. *Journal of strategic management*, 27, 1101-1122.
- Baron, A.R. (2006). *Social psychology*. Edition six. U. S. A.
- Brammer, S.A.; Millington, A. and Rayton, B. (2007). The contribution of corporate social responsibility to organizational commitment. *International journal of human resources management*, 18, 1701-1719.
- Brayden, G.K. and MC Donnell, M.H. (2012). Good Firms, Good targets: The relationship between corporate social responsibility reputation and activist targeting. *Annual review of psychology*, 31, 251-262.
- Chen, S. and Bouvain, P. (2009). Is corporate responsibility converging? A Comparison of corporate responsibility reporting in the USA, UK, Australia, and Germany. *Journal of business ethics*, 87,299-317.
- Chen, H.; Wang, Q. and Chen, X. (2006). School achievement and social behavior: A cross-legged regression analysis. *Acts psychological science*, 33(6), 532-536.
- Devito, J.A. and Halford, W.K. (2007). *the interpersonal communication book*. Fourth edition. Happer and Row, New York.
- Gifford, S. (2003). Childhood peer relationship: social attendance, friendship peer network. *Journal psychology*, 41, 235-248.
- Forneris, T.; Danish, S.J. and Seott, D.L. (2010). Setting goals, solving problems and seeking social support. *Journal of adolescences*, 42(165):103-114.
- Heinrichs, N. and Hofmann, S.G. (2001). Information processing in social phobia: A critical review. *Clinical psychology review*, 21,751-761.
- Laszlo, Z. (2006). Competiveness and corporate social responsibility. *Annual review of psychology*, 15, 110-125.
- Miller, J.F. and Bwen, B.E. (2003). Compeletency, coding uncontributory life skills: Development of early adolescents. *Jafriculredu*, 31(1): 68-76.
- Shрма, D.; Albery, L.D. and Cook, M. (2001). Selective attentional bias to alcohol related stimuli in problem drinkers and non-problem drinker. *Journal of addiction*, 96, 285-295.
- Pineles, S.L. and Mineka, S. (2005). Attentional biases to internal and external sources of potential in social anxiety. *Journal of abnormal psychology*, 114(2), 314-318.
- Spector, L.P.; Pecknold, J.C. and Libman, E. (2003). Selective attentional bias related to the noticeablity aspect of anxiety symptoms in generalized social phobia. *Journal of anxiety disorders*, 17, 517-531.
- Spurr, J.M. and Stopa, L. (2002). Self-focused attention in social phobia and social anxiety. *Clinical psychology review*, 22, 947-955.
- Stanger, C. (2004). *Social groups in action and interaction*. Third edition, U. S. A.
- Zue, J.B.; Hudson, J.I. and Rapee, R.M. (2007). The effect of attentional focus on social anxiety. *Behavior research and therapy*, 45, 2336-2341.